



شماره سوم | خردادماه نود و سه





مهدی مرادی زاده | عکس
شهاب آب روشن | سینما
نبی شهبازی | شعر
بهروز عباسی | ادبیات نمایشی
احسان میرحسینی | تجسمی
ابوالفضل قاضی | داستان
منیژه آقائی | روانشناسی
صدف محمودی | وبلاگ
نسترن محسنی | تصویرسازی

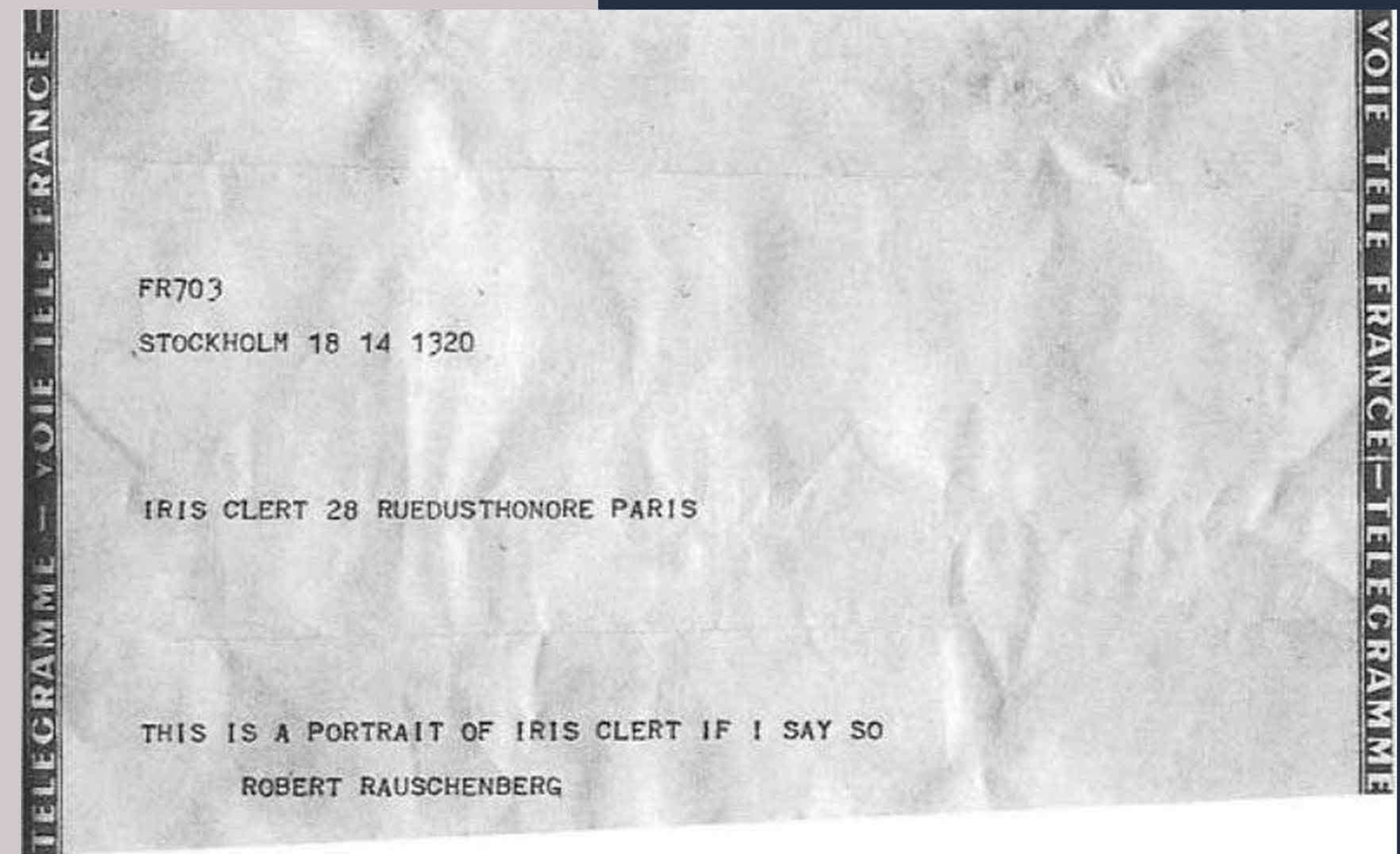


Fountain-1917 Marcel Duchamp



Joseph Kosuth, One and Three Chairs (1965)

Rauschenberg-Iris Clert Portrait



”عکاسی و هنر کانسیچوال“

مهدی مرادی زاده

برخورد عکاسی با مقوله هنر کانسیچوال (مفهومی) مبحثی چند وجهی است. در نظریه بنیادین این هنر، عکس همواره بعنوان یک شیء آماده (Ready Made) در آثار هنرمندان معاصر، چیدمان‌ها (Instalation) و پرفورمنس‌ها، استفاده شده است. گرچه از ابتدا حضور پررنگ عکاسی بعنوان ثبت‌کننده نقش مهمی ایفا کرده اما در دهه هفتاد عکاسانی چون «سیندی شرم» پایه‌گذار یک استایل در هنر عکاسی بودند بنام خاص عکاسی کانسیچوال؛ (با زیرشاخ‌های استیج و بخش زیادی از عکاسی فاین آرت). این سبک با وجود شباهت‌های زیاد در فلسفه و مبانی، از لحاظ زیبایی‌شناختی تفاوت‌های محسوسی با هنر کانسیچوال دارد. امروزه عکاسی کانسیچوال بعنوان سرفصلی در مقابل عکاسی مستند و خبری معرفی می‌شود.

در صفحات قبل نمونه‌هایی از عکاسی کانسیچوال ارائه شده است. در ادامه عکس‌هایی از سیندی شرم با عنوان Untitled Film Stills منتشر شده که در فاصله زمانی ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ ثبت شده‌اند.





“ هویت عاریه ”

شهاب آب روشن

فیلم‌هایی که در ابتدای تاریخ سینما ساخته شده چند ویژگی جالب دارند؛ آدم‌ها حرف نمی‌زنند، عمل می‌کنند (در واقع با کله‌های سخنگو روبرو نیستیم). فیلم‌ها صامت‌اند. به طوری که خبری از موسیقی نیست (مگر در مواردی که بعضی از سالن‌ها همراه با فیلم چند نوازنده قطعاتی را اجرا می‌کردند). غالباً در فضای پریمیتیو فیلم‌ها خبری از بازی بازیگرها نیست. آدم‌ها کارهایی که باید انجام بدهند را انجام می‌دهند. (بی هیچ تلاشی برای برانگیختن احساس). قصه آنچنان جایگاهی در این فیلم‌ها ندارد.

سینما در ابتدای راه دارای ویژگی‌هایی بود که ناخواسته آن را از سایر شاخه‌های هنری جدا می‌کرد. کمبودهایی که باعث می‌شد هویت تازه شکل گرفته‌ی سینما هرچه هست از خودش باشد و لاغیر.

«رفتار»

نبی شهبازی

جریانهای تند و عصب های آرام تو
همین پایتخت نکوشیده به جنگ و این افتضاح لعنتی
که درباره اش فکر دارم
وترس این عکس
که مال خود نباشد و شاهد
دراقرافات خود ، قصه های تلخ گفته باشد
همه و همه
رفتارهای ذاتی يك كودك نیست
که در مادرش ستم ها می رفته و اگر
زحمتی نیست قتل را تو بر گردن بگیر
یا تنت از ازدحام ترکش پُر بار
نفسهات بریده های شیمیایی
مفهوم
در لُخت این سیم است و امان از ترکشهای دشمن
که تو را به گوش من ارتباط نمی دهد
تفنگت
خلوت ترین دعای قبل از شلیک است
وقتی
حرکتهای يك سرباز را
جز يك سرباز نمی فهمد.

«مجموعه جفنگیات سالهای ۷۸ تا ۸۳»



سیمای زن در تاریخ کهن ایران نشانه دلاوری، نعمت و نیکوکاری است. در زرتشت ما با زنانی چون چیستا، آناهیتا و نایرکا روبرو هستیم و در شاهنامه با فرانک، تهمینه و رودابه. اما تصویری که چهارصد سال اخیر از زن ارائه شده به شدت سیاه و پلید است. همچنین در افسانه ها و داستان های عامیانه جنوب ایران نیز با نگاه سیاه تری به زن روبرو می شویم. ام الداس در دریا مردان را فریب داده و آنها را می کشد. درونج یا درنج پیرزنِ آدامخواری که در بیابان سرگردان است و یا خواهرانی به نام ام سلمه و ام سببان که در بلندای کوه در انتظار مردان جوانند که آنها را از بین ببرند. در ادبیات نمایشی معاصر جنوب که غالباً از داستان های عامیانه برداشت شده، زن منفعل و منتظر است. شاید کمتر اثری در این خطه چون نمایشنامه «زینب» نوشته ی مهدی عطایی باشد که در آن با یک شیرزن طرف باشیم. اثری که برگرفته از نمایشنامه آنتیگون و قسمتی از وقایع عاشورا است.

بهرز عباسی



” لطفا برای فعال سازی اینجا را لمس کنید “

احسان میرحسینی

انگار پوست به ذاته دارای لطافت، زیبایی و اروتیسم است که وقتی بر فرم‌های برجسته و فرو رفته قرار می‌گیرد زیبایی آن دو چندان می‌شود، حتی اگر پوست پرنده‌ای پرکنده یا حیوانی بی‌پشم باشد. نقاشی از بدن برهنه سابقه دیرین در تاریخ هنر دارد. تماشای برهنگی لذت بخش است، این لذت برای نقاش چندین برابر است، لذت دیدن و باز آفرینی لذت. کم نیستند نقاشانی که تمام عمر خود را صرف هرچه لطیف تر نشان دادن پوست بدن کرده اند مانند رنوار. تصور بدن بدون پوست وحشتناک است. پوست ما را به لذتی عمیق می‌رساند، چه در بدن‌های اسطوره‌ای و مقدس نقاشی‌های رافائل باشد چه در بدن‌های کلیمت چه در بدن‌های تکه پاره از جنگ دکونینگ.

”يك روز زيبا“
ابوالفضل قاضي

- چه هوای خوبی!

مرد قبل از این جمله، به زن روی تخت گفت:

- نظرت چیه پنجره رو باز کنم؟

زن زيبا خيره به سقف، جوابش را نداد.

قبل از آن، چیزی در کشوی کمد کنار تخت گذاشت و در آن را بست. کلید

کشو را داخل دهانش انداخت و روی آن یک لیوان آب نوشید.

در کشو هنوز باز بود و هر دو روی تخت خیره به سقف نگاه می کردند.

ناگهان حسی شبیه حسی که در زیر باران به او دست می داد، آزارش داد...

هنوز حس بدی به او دست نداده بود که دستش در کشوی کمد کنار تخت

دنبال چیزی می گشت... دست از کشو بیرون آمد و بعد از چند ثانیه، صدای

شلیک...؛

صدایی که همسایه کناری آن را نشنید.

زن زيبا هنوز ایستاده بود. از کنار پنجره آمد کنار تخت و در آینه روبروی

کمد به خودش نگاه کرد. مرد که دراز به دراز افتاده و خیره به سقف بود با

دستانش به زن زيبا اشاره کرد.

زن زيبا لبخند زد.

مرد تنها بود که صدای در آمد. مطمئن بود که پشت در زن زیبایی ایستاده. زن

که وارد شده، ابتدا روی کمد کنار تخت، به اسکناس های تا نخورده، خیره

شد.

هنوز صدای در درنیامده بود که مرد، عکسی را از کشوی کمد کنار تخت در

آورد و به آن نگاه کرد: "امروز قراره بیاد اینجا. همون که دو سال پیش، بعد

از خروج اون از همین اتاق، من اولین نفری بودم که جسدتو بغل کرد." و

بعد صدای تق تق در آمد.

خشونت خانوادگی عبارتست از هر نوع ارتکاب به رفتار تهدیدآمیز، خشونت یا بدرفتاری روانی، جسمی، مالی یا عاطفی میان بزرگسالانی که اکنون زوج یکدیگرند یا یکی از اعضای خانواده هستند و یا در گذشته بوده اند. خشونت در خانواده در تمامی طبقات، نژادها، سطوح مختلف درآمد و تحصیلات وجود دارد. عواملی که در بروز خشونت دخالت دارند: شخصیت خشن، نگرش اجتماعی، طبقه اجتماعی و تعداد فرزندان می باشد.

“خشونت خانوادگی”
منیژه آقائی

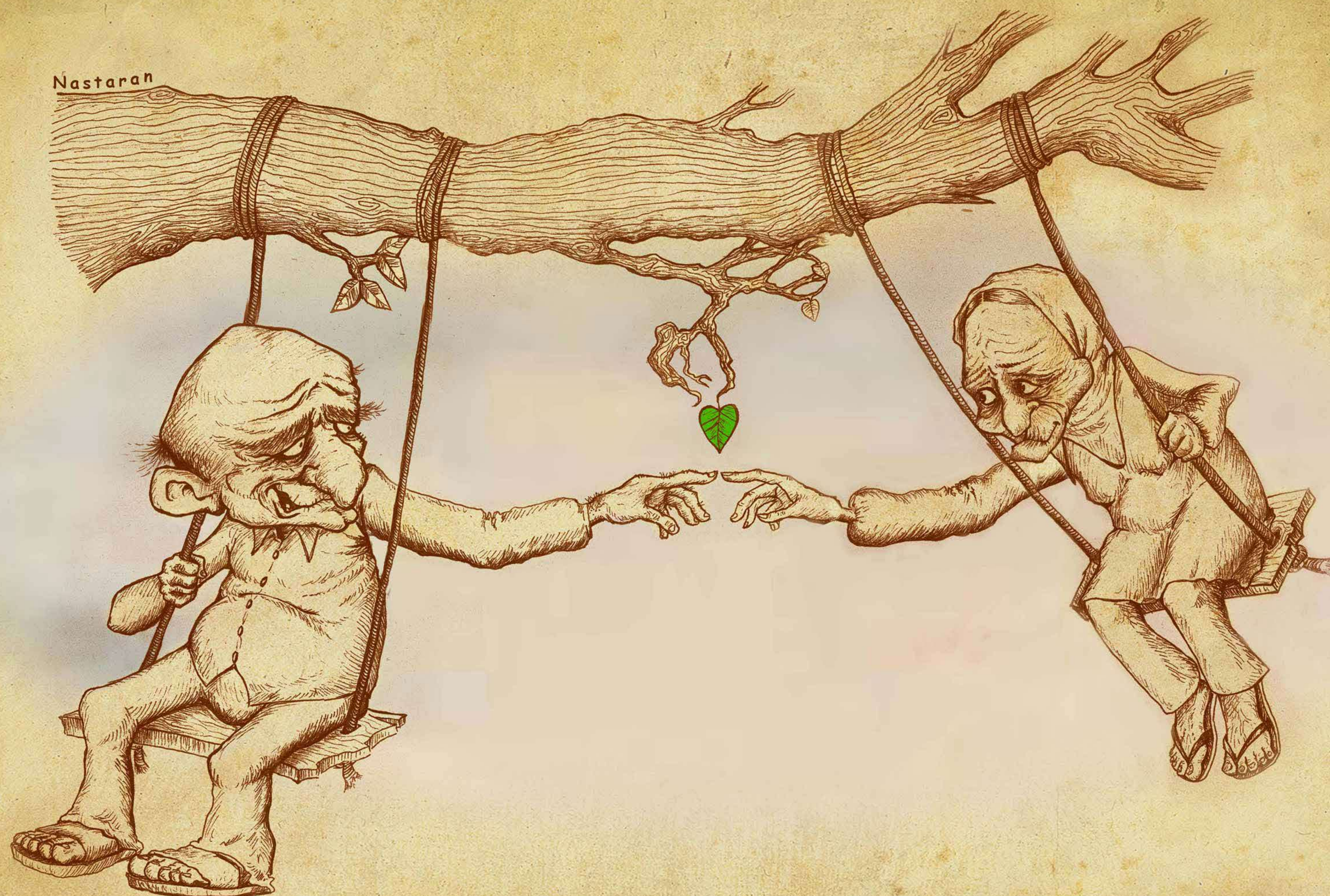


“زن، آش شله قلم کار”

صدف محمودی

چادر به سر می کند و به ناخن هایش لاک قرمز می زند،
چادر به سر می کند و مانتوی کوتاه می پوشد. این زن
جامعه مدرن امروز است. این بلایی است که جامعه کنونی
سر زن آورده. او حتی دیگر خودش هم جهت گیری
فکری و جسمی اش را نمی داند. زن امروز به آش شله قلم کار
بدل شده که آشفتگی ذهنی اش از پوشش ناهمخوانش آشکار است.
این ناهمخوانی ها درست از روزی شروع شد که زن این بیگانگی
با خود را پذیرفت، حالا دیگر دیرزمانی است او فقط مفعول
و گوش به فرمان است. پوششش، نگاهش، شغلش،
تحصیلاتش، همه و همه ناخودآگاه منتظر است.
منتظر دستور گرفتن و انجام دادن! پس نتیجه اش
اینی شد که امروز هستیم.





“آخرینش”
نسترن محسنی



تحریریه این شماره
شهاب آب روشن
رضا حسینی
احسان نفیسی

طراحی گرافیک
گروه طراحی "جی"

برای ارسال نظر، پیشنهاد و همچنین
مطالب مرتبط با ماهنامه با این نشانی
در تماس باشید.

gesign@outlook.com

